



امام رضا (ع)؛

ایمان یک درجه از اسلام بالاتر است و تقوا، یک درجه از ایمان و یقین یک درجه از تقوا بالاتر است و چیزی سنگین تر از یقین میان بندگان تقسیم نشده است.

الکافی، ج ۲، ص ۵۱

روایت
رضوی

دلم برای نجف که تنگ می‌شود!



عاطفه عظیمی نویسنده و شاعر افغانستانی

هست همان بیست سالگی که رفته بودم حرم حضرت امیر(ع) با خودم گفتم کاش مشهد هم از این ساپیان ها می داشت. حالا دلتنگ نجف که باشم می روم زیر یکی از این ساپیان ها می نشینم وشروع به صحبت با امام می کنم. بعد زیر لب شعری که همسرم (مسعودیوسف پور) برای حضرت رضا(ع) سروده را می خوانم که، من همان سائل انگشتی هر روزه تو علی هستی و در نجفت فیروزه دل زوار تو از شور و شغف پر شده است

اصلا چطور ممکن است دلم برای نجف تنگ نشود؟ وقتی فقط دوبار توفیق داشتم به این شهر عزیز بروم. یک بار وقتی بیست ساله بودم و یک سال هم اواسط کرونا وقتی با سهمیه هنرمندان و البته با هزینه زیاد توانستم خودم را برسانم به خیل عظیم اربعینی ها و اصلا توفیق نشد ضریح مبارک را زیارت کنم و از داخل صحن عرض ارادتنی کردم و راهی مشایه شدم، اما دلم که برای نجف تنگ می شود خودم را می رسانم به صحن جمهوری. خدا خیر بدهد به کسی که این ساپیان های داخل صحن را تعبیه کرده. خاطرم



حرم رضوی معطر به عطر علوی

به ذره گر نظر لطف بوتراپ کند / به آسمان رود و کار آفتاب کند. دیروز هم زمان با ولادت امیرمومنان حضرت علی(ع) حرم شاه خراسان با گل آراییی و نصب کتیبه و پرچم در صحن ها به استقبال میلاد شاه نجف رفت.

عکس: اعظم سیدی زاده/ آستان نبوز

به منظور تقویت ناوگان حمل و نقل عمومی در محور توس

مردم‌تار



بهره برداری از

۱۸ اتوبوس

و میکی‌بوس



روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز: شهرداری مشهد مدیرمسئول: سید میثم موسوی مهر سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی

شماره ۱۴ دی ۱۴۴۴ سال شانزدهم ۱۴۰۳

۴شنبه

نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵

تلفن: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴

روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

سایت شهرا را نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق نامه اخلاق حرفه ای

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir



دمای هوای مشهد

۵۵٪ رطوبت هوا

۱۳°۰۰' ↑ ۲°۰۰' ↓ ۱۳°۰۰'

صبح ۴ ظهر ۱۳ شب ۶ عصر ۸

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۴۱:۰۲ نیمه شب شرعی ۲۲:۵۶:۳۳ غروب آفتاب ۱۶:۴۰:۰۵ اذان صبح فردا ۰۵:۱۲:۵۰ اذان مغرب ۱۷:۰۰:۰۳ طلوع آفتاب فردا ۰۶:۴۱:۴۰

اول
شخص

به ورزش نام تو پاینده ماند*

درباره حسین بمبئی چی، چهره ماندگار تربیت بدنی مشهد به بهانه بیست و هشتمین سالروز درگذشت او



آزاده چشمه سینه نویسنده

شب‌نگاهی و تماشای چرخ سرگردان موتور سیکلتش که دارد بی‌وقفه دور خودش می‌چرخد، نه‌بیش می‌زند که این آرامش پس از طوفان است. بعد دستانتش را به شقیقه‌هایش فشار می‌دهد و سعی می‌کند تمام آنچه را اتفاق افتاده به یاد بیاورد. همه چیز از خیلی قبل تر برابر چشمانش مرور می‌شود. از روزی که بعد از نهار، جرعه‌ای آب سرکشید، کمی عقب‌تر نشست و بی‌مقدمه رو به خانواده‌اش گفت: من عازم سفرم. جلوتر به یاد آورد، روزی را که رخس آهنی نژاد زرنش را رکشان‌کشان آورد توی حیاط خانه و دستی به زین نووارش کشید، یک دستگاه موتورسیکلت زونداپ آلمانی که قرار بود او را در پرچالش‌ترین سفر زندگی‌اش همراهی کند. بعد یادش آمد از وقتی که ترک موتورش را از چراغ خوراک پزی و کیف کمک‌های اولیه و نخ و سوزن و چراغ قوه بر می‌کرد و همسرش داشت با ذوق و اضطرابی توأمان تماشایش می‌کرد. حالا کمی جلوتر آمده بود و داشت کم‌کم می‌فهمید چه بلایی سرش آمده. او پس از ترکیه و یونان و یوگسلاوی و ایتالیا به سوئیس رسیده بود و حالا فقط ۷۲ ساعت فرصت داشت تا قبل از تمام شدن ویزایش خاک سوئیس را به مقصد آلمان ترک کند که در میانه مسیر با نور شدید چراغ‌های یک تریلی از جاده منحرف شده بود و از بلندی پل به پایین سقوط کرده بود. به هر جان‌کندنی بود خود را به حاشیه جاده رساند و با دیدن اولین آدمی که از آنجا عبور می‌کرد، شروع کرد به دست تکان دادن. او باید خود را از مه‌لکه نیمه شب نجات می‌داد تا خود را به سفارتخانه ایران در آلمان برساند.

پرچم‌دار نام ایران

رئیس فدراسیون موتورسواری بلژیک در حالی نام حسین بمبئی چی را توی لیست شرکت‌کنندگان مسابقه موتورسواری کشورش می‌نوشت که بیست و چهار ساعت بیشتر نمی‌شد پا به خاک این کشور گذاشته بود. او که حالا پس از استقبال گرم عوامل شرکت زونداپ آلمان، رخس وفادارش را روبه‌راه کرده بود و با جانی دوباره به جاده‌ها برگشته بود، پس از دیدار با مسئولان و مکان‌های ورزشی بلژیک، پیشنهاد شرکت در مسابقه را پذیرفت و در شرایطی که موتور ساده‌تری نسبت به باقی شرکت‌کنندگان داشت، در خط آغاز رقابت ایستاد و پیش از دیدگران به خط پایان رسید. آن روز رئیس فدراسیون موتورسواری بلژیک، مدالی را که پنج سال پیش کسب کرده بود، به سینه حسین بمبئی چی زد و با یک حکم و کاپ کوچک به نام ایران او را برای ادامه مسیر بدرقه کرد.



طلایه‌دار و پیشرو

حسین بمبئی چی بعد از آن سفر صدوسی و هشت روزه با موتورسیکلت و عبور از دوازده کشور و بازدید از تازه‌ترین تحولات و خدمات ورزشی این کشورها، حالا با چنته‌ای مملو از تجربیات و ایده‌ها، به ایران برگشته بود و می‌خواست هرچه زودتر یافته‌هایش را در ایران عملی کند. حالا او در قیامت نخستین کسی که با موتورسیکلت، پرچم ایران را در کشورهای مختلف گردانده بود و با دست پر به وطن بازگشته بود، می‌توانست در دانشگاه فردوسی مشهد خدمات ارزنده‌ای ارائه کند. اما این پایان سفرهای او نبود. دو سال بعد هم دوباره یار آه‌نیشش را زین کرد و دل به جاده‌ها زد و این بار به سمت پاکستان و هندوستان و افغانستان حرکت کرد. سفری کوتاه‌تر، اما پرخطرتر از سفر پیشین که با تلاقی گرمای تابستان و جغرافیای خطرناک و دشواری راه، همچنان او را برای اکتشافات بیشتر، مصمم می‌کرد. بمبئی چی بار دیگر به مشهد برگشت و یکی یکی خدمات نوآورانه‌اش را در دانشگاه فردوسی مشهد به میدان آورد. تازه‌ترین رشته‌های ورزشی و قوانین روز دنیا در حوزه ورزش را در دانشگاه به راه انداخت. زمین‌های ورزشی تأسیس کرد، سرپرستی گروه‌های کوهنوردی را برعهده گرفت و بانی برگزاری مسابقات ورزشی متنوع در سطح دانشگاه شد. به این ترتیب دیری نگذشت که عنوان یکی از بزرگ‌ترین طلایه‌داران ورزش استان به او اختصاص یافت و در سال ۱۳۳۹ به پاس خدمات شایانش از سوی سازمان تندرستی و تربیت بدنی، مورد تقدیر قرار گرفت. حسین بمبئی چی سرانجام در ۲۶ دیماه سال ۱۳۷۵ از دنیا رفت و در آرامگاه خواجه اباصلت مشهد به خاک سپرده شد.

*مصرعی از غلامحسین صادقی
برای نوشتن این مطلب از مجموعه گزارش‌هایی که در روزنامه شهرآرا منتشر شده، استفاده شده است.